

همزمان با تداوم سیاست سرکوب صورت گرفت
عربستان زیر ذره بین ۱۰ نهاد حقوق بشری

در پی انتشار مداوم خبرهای مربوط به احکام حبس و زندان در عربستان علیه مخالفان این کشور، ۱۰ سازمان بین‌المللی حقوق بشری در بیانیه‌ای با تأکید بر اجرای عدالت در حق قربانیان سرکوب‌ها در عربستان، خواهان پاسخگویی ریاض در مورد این مسائل قضایی شدند. سایت رسمی دیده بان حقوق بشر در بیانیه‌ای مشترک که در همین خصوص منتشر کرده، تأکید کرده است: «۱۰ سازمان حقوق بشری که این بیانیه را امضا کرده‌اند، همبستگی خود را با قربانیان سرکوب حکومت اقتدارگرای عربستان اعلام می‌کنند.»

پلیس آلمان به تجمع فعالان محیط زیست معترض به استفاده از سوخت‌های فسیلی حمله کرد

دولت برلین در چالش با مخالفان استفاده از زغال سنگ

صدها نفر از فعالان محیط زیست در آلمان در اعتراض به تخریب روستاهایی در غرب این کشور برای توسعه و استخراج معادن روباز زغال سنگ تجمع و تأکید کردند تا پای جان در مسیر توقف استفاده از سوخت زغال سنگ ادامه می‌دهند. این تجمع با واکنش تند پلیس آلمان مواجه شد. به گزارش دوپچه‌وله، پلیس از دیروز محاصره روستای لوتزرت را که بیش از ۳۰۰ نفر در آن کمپ زده بودند در دستور کار قرار داده است و شرکت انرژی آر دبلیو ای نیز همزمان با استقرار بولدورزها عملیات تخریب را آغاز کرده است.

«ایران» نقش دولت آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی در اتاق طراحی و هدایت ارکان آشوب‌های اخیر را بررسی می‌کند

۱۰ مسیر شکست خورده

در توطئه بزرگ

مصطفی ۵ را بگویند



جریان‌های ضد ایرانی چگونه در بستر فضای مجازی زمینه ارتکاب جنایت و قتل را فراهم می‌کنند؟

قاتلان خونسرد

امیر فرشباف
روزنامه‌نگار

یکی از راه‌های معمول برای شناخت هر پدیده‌ای بازخوانی و تحلیل شرایط وقوع آن پدیده است. به تعبیر دیگر، علاوه بر تحلیل ماهیت آن پدیده، زمینه‌ها و بسترهای پیشینی که آن پدیده در آنها واقع شده را هم باید بررسی کرد. از رویدادهای طبیعی تا امور و پدیده‌های فردی و اجتماعی انسانی (اعم از افکار و اعمال)، همگی را می‌توان ذیل این رویکرد زمینه‌گراییانه ملاحظه کرد. حداقل فایده اتخاذ این رویکرد این است که تا حد زیادی می‌تواند از تحریف و بدفهمی مسائل پیشگیری کند؛ موضوعی که امروزه افکار عمومی بشدت با آن درگیر است. بازترین نمونه‌ای که می‌توان برای این موضوع ذکر کرد، نقش جریان‌های ضد ایرانی در زمینه‌سازی برای اعمال ضد انسانی و تحریف حقیقت هنگام محاکمه تعدادی از قاتلان و آشوبگران است. شیوه‌های عملیات روانی رسانه‌های معاند فارسی‌زبان موضوع مستقلی است که فرصت مستقلی را می‌طلبد. اجمالاً می‌توان به این قدر اکتفا کرد که به لحاظ زمانی، باید عملکرد ایشان را به سه مقطع پیش از آشوب، حین آشوب و پس‌آشوب تقسیم کرد. مقطع «پیش از آشوب» زمانی است که در آن بسترهای وقوع اغتشاش و رفتارهای خونت‌آمیز فراهم می‌شوند و همزمان با دو مقطع حین و پس از آشوب - که در آنها روند دستگیری و محاکمه افراد مرتکب قتل و جنایت آغاز می‌شود - مشاهده می‌شود که این رسانه‌ها به همراه شبکه‌ای از افراد مشهور در فضای مجازی (سلبریتی) و برخی وکلای بدسابقه، دو عملیات تشکیک در مشروعیت محاکمه و تطهیر مجرمان را در دستور کار قرار می‌دهند. این عملیات فریب‌دووجهی در آشوب اخیر و ماجرای اعدام تبهکارانی همچون محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد مهدی کریمی و محمد حسینی قابل رؤیت بوده و هست و در ادامه با ذکر مصادیق و با تفصیل بیشتری به زمینه‌سازی‌ها و شیوه‌های توجیه جنایت و تطهیر مجرمان پرداخته خواهد شد.

روییج جهالت، انتشار نفرت

یکی از راه‌های میانبری که می‌تواند در تشخیص زمینه‌های فکری و رفتاری آشوبگران مؤثر باشد، بازبینی زیست مجازی و حقیقی ایشان است. با رصد صفحات و حساب‌های مجازی قاتلان و اغتشاشگران از یک‌سو، به سرخ‌های مشترکی می‌توان دست یافت؛ از جمله تعداد زیادی از مطالب جعلی منتسب به شخصیت‌های تاریخی، ادبی و فرهنگی. به‌عنوان نمونه صفحه اینستاگرامی مجیدرضا

رهنورد را باید مثال زد که مملو از پست‌هایی در ستایش از پهلوی و اشعار و مطالب جعلی منسوب به مولانا و صادق هدایت و دیگران است. به‌عنوان نمونه می‌توان به شعری مجعول اشاره کرد که به جلال‌الدین محمد بلخی (مولانا) نسبت داده شده است و صریحاً ضمیمی ضدین دارد! اغافل از اینکه شعری معاصر است و شاعری گمنام برای بازتشریح آن را به مولانایی نسبت داده که از قضا خودش عالم دینی بوده! جهلی که در فضای مجازی این روزها و سال‌ها در حال تکثیر است، در کنار پیمائز نفرت و خشونت توسط جریان‌های ضد ایرانی با گرایش‌های مختلف اعم از سلطنت‌طلب، منافق، تجزیه‌طلب و... دو عامل اصلی‌ای هستند که زمینه‌ساز بروز رفتارهای ضد انسانی و جنایتکارانه شدند. اگر به فهرست افرادی که این اشخاص در فضای مجازی دنبال می‌کنند بنگریم نیز تشخیص چرایی چنین رفتارهایی دشوار نخواهد بود. به‌عنوان نمونه همین مجیدرضا رهنورد قاتل دو جوان مشهدی در صفحه اینستاگرام خود افراد زیر را دنبال می‌کرده است:

سروش لشکری رپر با اسم هنری «هیچکس» که از آشوب آبان ۹۸ تاکنون سعی داشته و دارد که خشونت را در حد اعلامی آن ترویج کند و ملاحظه شد که در اغتشاشات اخیر نیز جوانان را صریحاً به استفاده از ابزار و عداوت خونریزی فرا می‌خواند. صفحه «اسرائیل به فارسی» وابسته به وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، صفحه ایران اینترنشنال وابسته به دربار سعودی و قطب پیشران بازتولید گفت‌وگو، وریا غفوری بازیکن فوتبال وابسته به خانوارهای گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب، معصومه علی‌نژاد قملی کلایی مشهور به «مسح علی‌نژاد» خبرنگار هتاک و بدسابقه که کارش را از رسانه‌های اصلاح‌طلب شروع کرد، صفحات رضا پهلوی و فرح دیبا (مادر ربیع پهلوی)، حسن آقامیری روحانی خلع لباس شده‌ای که سعی دارد با طرح انگاره‌های احترامی و مغایر با اسلام مشهور شود، علی کریمی، شاهین نجفی، سینا ولی‌الله و...

ناگفته نماند که همین مجیدرضا رهنورد بعد از دستگیری و فراغت از تب و تاب کاذب فضای مجازی در اظهاراتی تکان‌دهنده خطاب به علی کریمی که به ازای دریافت تابعیت از یکی از دولت‌های متخاصم سعی کرد در نقش لیدر اغتشاشات ظاهر شود، گفت: «آقای کریمی شما انسان هستی یا نه؟ من!

کری کریم دور از انسانیت، تحت شرایط روحی بد و فضای مسموم اینستاگرام، دست به اقدامی زدم که دوتا هموطن، دوتا برادرم را کشتم. تو از چه چیزی حمایت می‌کنی؟ به دین و قواعد اسلام و هیچ دین دیگری کاری ندارم، از چه چیزی حمایت می‌کنی؟!

”

تظهير مجرم و انکار جرم

با تمام این اوصاف اما مشاهده می‌شود که رسانه‌های جریان معاند با هماهنگی شبکه‌ای از سلبریتی‌های بدسابقه که سودای اخذ تابعیت کشورهای غربی را در سر دارند، به تطهیر مجرمان و انکار جرم ایشان می‌پردازند. جریان‌ها و رسانه‌های مذکور این کار را از طریق انتشار هشتک‌هایی همچون «اعدام نکنید» یا به واسطه مظلوم‌نمایی انجام می‌دهند. اشاره به وضعیت معیشتی نامناسب قاتلان، اشاره به ورزشکار بودن ایشان با استناد به مدعیات خودشان یا چند تصویر، اشاره به هنرمند بودن آنان و مانند اینها از مصادیق استفاده از تکنیک یا مغالطه «سفیدسازی مجرمان» هستند که به‌واسطه آن سعی می‌کنند افکار عمومی را نسبت به محاکمه ایشان و اجرای عدالت جریحه‌دار کرده و تصمیم‌گیری دستگاه قضایی را تحت تأثیر قرار دهند.

موضوع دیگری که از آن نباید به‌سادگی گذشت، اقدام برخی رسانه‌های داخلی وابسته به جریان اصلاح‌طلبی در تطهیر جنایت و فشار به دستگاه قضایی با هدف صیرف‌نظر از مجازات قاتلان و آشوبگران است. مصاحبه‌های متعدد و جهت‌دار

چرخه جهل و خشونت که این روزها خصوصاً در بستر فضای مجازی در حال بازتولید است، نتیجه‌ای جز زمینه‌سازی برای پرورش قاتلان خونسرد نداشته که پس از ارتکاب به جنایت و گرفتار شدن در چنگ قانون هیچ حمایت و پناهگاهی غیر از همان قانون مجازات اشرار، توهین به مقدساتی مانند اذان (به‌عنوان زمان اعدام!) و تهدید به انتقام است که مانند سایر مدعیات این جماعت چیزی جز شعاری پوچ و کینه‌توزانه نیست

تشکیک در مشروعیت محاکم قضایی

گام بعدی رسانه‌ها و گروه‌های معاند خارجی یا محافل تجدیدنظرطلب داخلی پس از قطع امید از ثمربخشی رویکرد قبلی یعنی تطهیر مجرمان، ایجاد تشکیک در روند محاکمه تبهکاران و قاتلان است. این



روزها به‌طور پیوسته شاهد آن هستیم که شبکه‌ای از وکلایی که خود پیشینه کیفری دارند، همسو با رسانه‌های ضد ایرانی، در حال ایجاد تشکیک و تخطئه احکام صادر شده هستند. نحوه پیوستگی عملکرد این جریان‌ها بدین نحو است که برخی وکلا با سوءاستفاده از مفاهیم و آموزه‌های حقوقی و فقهی، یا پیش از برگزاری دادگاه مبادرت به سناریونویسی قضایی می‌کنند یا پس از برگزاری دادگاه، روند تردیدافکنی در حقانیت احکام صادر شده را کلید می‌زنند. در سوی دیگر این فریبکاری، رسانه‌هایی هستند که این اظهارات را مبنای عملیات روانی خود قرار می‌دهند و این چرخه به همین شکل تداوم دارد...

نتیجه اینکه چرخه جهل و خشونت که این روزها خصوصاً در بستر فضای مجازی در حال بازتولید است، نتیجه‌ای جز زمینه‌سازی برای پرورش قاتلان خونسرد نداشته که پس از ارتکاب به جنایت و گرفتار شدن در چنگ قانون هیچ حمایت و پناهگاهی غیر از همان قانون مجازات اشرار، توهین به مقدساتی مانند اذان (به‌عنوان زمان اعدام!) و تهدید به انتقام است که مانند سایر مدعیات این جماعت چیزی جز شعاری پوچ و کینه‌توزانه نیست.